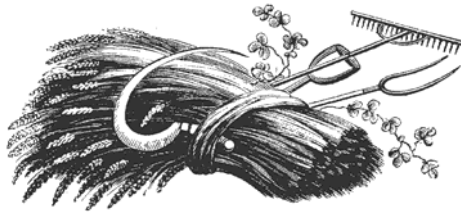


زندگی پند

سفری هدفمند



چگونه می‌توان بهترین بهره را از این کتاب برد

آنچه اکنون در دست دارید چیزی بیش از یک کتاب است؛ این یک راهنما برای ۴۰ روز سفر روحانی است که شما را قادر می‌سازد برای مهمترین سؤال زندگی پاسخی داشته باشید: برای چه در روی زمین زندگی می‌کنم؟ و یا به قول معروف از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ در انتهای این سفر شما به هدف و نقشه الهی برای زندگیتان پی خواهید برد، دیدگاه وسیعتری از زندگی خود خواهید داشت و ارتباط اجزای گوناگون زندگی خود را مشاهده خواهید کرد. داشتن چنین دیدگاهی نگرانی‌هایتان را کاهش خواهد داد، تصمیم‌گیری‌هایتان را آسان‌تر خواهد ساخت و باعث خواهد شد از زندگی لذت بیشتری ببرید، و از همه مهمتر اینکه شما را برای ابدیت آماده خواهد ساخت.

۴۰ روز آینده زندگی شما

امروزه میانگین عمر ۲۵,۵۵۰ روز است. اگر شما یک عمر معمولی داشته باشید، این تقریباً مدت زمانی است که شما زندگی خواهید کرد. آیا به نظرتان عاقلانه نیست که دست کم ۴۰ روز از آن‌را به درک این مسئله اختصاص دهید که اراده خدا برای مابقی روزهای عمرتان چیست و می‌خواهد شما با آن چه کنید؟

کتاب مقدّس به روشنی بیان می‌دارد که ۴۰ روز، دوره‌ای ویژه و پراهمیت در سفر زندگی روحانی است. هرگاه خدا خواسته است کسی را برای هدف مقدّسش آماده کند، این کار را در ۴۰ روز انجام داده است:

- زندگی نوح در خلال ۴۰ روز باران توفان‌زا دگرگون شد.
- زندگی موسی در مدت ۴۰ روز در کوه سینا دگرگون شد.
- جاسوسانی که به سرزمین وعده رفتند در مدت ۴۰ روز اقامت در آنجا دگرگون شدند.
- داوود در مدت ۴۰ روز مبارزه طلبی جلیات، دگرگون شد.
- ایلیا زمانی دگرگون شد که خدا در مدت ۴۰ روز او را با فقط یک نوبت غذای روزانه تقویت می‌بخشید.
- تمام شهر نینوا وقتی دگرگون شد که خدا ۴۰ روز به مردم آنجا فرصت عوض شدن بخشید.
- عیسی مسیح در مدت ۴۰ روز در بیابان از روح خدا قدرت یافت.
- شاگردان مسیح در طول ۴۰ روز زندگی با مسیح قیام کرده، دگرگون شدند.

۴۰ روز آینده زندگی شما را نیز دگرگون خواهد کرد.

این کتاب به ۴۰ فصل کوتاه تقسیم گردیده است. اکیداً به شما توصیه می‌کنم که هر روز فقط یک فصل را بخوانید، بدین ترتیب وقت کافی خواهید داشت تا در مورد کاربرد آن فصل در زندگی روزمره‌تان بیندیشید. کتاب مقدّس می‌فرماید: «بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون کند تا به انسانی جدید تبدیل شوید. آنگاه قادر خواهید شد اراده خدا را درک کرده، آنچه را که خوب و کامل و مورد پسند اوست، کشف کنید.»^۱

یکی از دلایلی که اکثر کتاب‌ها هیچگونه دگرگونی در ما ایجاد نمی‌کنند اینست که اغلب اشتیاق داریم فصل بعدی را بخوانیم. بهتر است بجای آن پس از مطالعه هر فصل، کتاب را به کناری نهاده، بر روی آنچه که خوانده‌ایم تفکر نمایم.

تنها به خواندن این کتاب بسنده نکنید، با آن فعّالانه برخورد نمایید. زیر مطالب مهم آن خط بکشید. تفکرات خودتان را در حاشیه آن بنویسید. این کتاب را تبدیل به کتاب دست‌نوشته خودتان بکنید. آنرا تبدیل به نوشتاری بسیار شخصی برای خود بنمایید! کتاب‌هایی که بیشترین کمک را به من در زندگی‌م نموده‌اند آنهایی هستند که فعّالانه مطالعه کرده‌ام و نه اینکه فقط آنها را از اول تا آخر خوانده باشم.

چهار ویژگی این کتاب برای کمک به خوانندگان

در انتهای هر فصل بخشی درج گردیده‌است تحت عنوان «تفکر در مورد هدفم»، در این بخش موارد ذیل را خواهید یافت:

- **اندیشهٔ روز:** شامل جملهٔ کوتاهی است از حقیقتی بزرگ. این جمله بطور موجز و مختصر یکی از اصول زندگی هدفمند را نشان می‌دهد که شما می‌توانید در خلال روز در زندگی خویش از آن بهره‌گیرید. پولس به تیموتاؤس چنین نوشت: «در آنچه می‌گویم تفکر کن، زیرا خداوند تو را در همه چیز فهم خواهد بخشید.»^۲

- **آیهٔ مفظی:** آیه‌ای است از کتاب مقدس که واقعیتی را در مورد هر فصل تعلیم می‌دهد. اگر حقیقتاً دوست دارید که زندگی خود را بهبود بخشید، به حافظه سپردن آیات کلام خدا می‌تواند بهترین عادتی باشد که با آن شروع به بهبودی بخشیدن به زندگی خود نمایید. برای این منظور می‌توانید آیات را روی کارت‌های کوچکی که بتوانید با خود همراه ببرید، بنویسید و یا اینکه در صورت امکان «کتابچهٔ آیات حفظی ویژهٔ زندگی هدفمند» را خریداری نمایید.

- **سؤالی برای تعمق:** این سری سؤالات به شما کمک خواهند نمود تا در مورد کاربردهای آنچه که خوانده‌اید فکر کنید و دریابید که چگونه می‌توان آن مطالب را به زندگی شخصی خود ربط داد. تشویقتان می‌کنم که پاسخ‌هایتان را یا در حاشیهٔ کتاب و یا در دفترچهٔ یادداشت خود بنویسید، و یا اینکه می‌توانید یک نسخه «دفترچهٔ زندگی هدفمند» تهیه فرمائید. این دفترچه در واقع کتابچهٔ همراهی است که برای مطالعهٔ فعالانهٔ این کتاب طراحی گردیده است. نوشتن برداشتهای شخصی، بهترین راه فهمیدن و روشن شدن آنهاست.

در ضمیمهٔ ۱ این کتاب موارد ذیل را خواهید یافت:

- **سؤالاتی برای بحث و تبادل نظر:** مصرانه تشویقتان می‌کنم که ظرف ۴۰ روز آینده این کتاب را همراه یک یا چند دوست مطالعه نمایید. یک سفر معمولاً خیلی بهتر و پربارتر خواهد بود اگر با کسی همراه باشید. می‌توانید آنچه را که خوانده‌اید همراه با یک دوست و یا یک گروه کوچک در میان بگذارید و ضمن تبادل افکار از برداشت یکدیگر مطلع شوید. این کمک شایانی است برای شما تا در رشد

روحانی خود قوی‌تر و عمیق‌تر باشید. رشد روحانی واقعی هرگز به تنهایی و در تنهایی صورت نمی‌پذیرد. بلوغ، ثمرهٔ روابط در جامعه است.

بهترین راه جهت بیان هدف خدا برای زندگی این است که اجازه دهیم کتاب مقدس خودش سخن بگوید. با توجه به این امر است که در این کتاب آیات بسیار زیادی از کتاب مقدس ذکر گردیده است. برای این منظور بیش از هزار آیه از ۱۵ ترجمه و تفسیر مختلف انگلیسی* استفاده شده است. دلیل استفاده از اینهمه ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس، در ضمیمهٔ ۳ کتاب توضیح داده شده است.

مزایای زیستن هدفمند

در خلال نگارش کتاب، اغلب برای خوانندگان کتاب دعا کرده‌ام. باشد که شما به این وسیله امید، انرژی و شادی عظیمی را احساس و تجربه نمایید که ثمرهٔ کشف ارادهٔ خدا از خلقتان است. هیچ چیز به اندازهٔ این واقعیت مهم نیست. واقعاً خوشحالم که شما این کتاب را مطالعه می‌کنید، چرا که نیک آگاهم چه واقعیت‌های عالی در خلال خواندن کتاب نصیبتان خواهد شد. این چیزها در زندگی خودم اتفاق افتاده‌اند، و پس از کشف هدف زندگی دیگر هرگز همچون گذشته زندگی نکرده‌ام.

از آنجا که واقف به مزایای آن هستم، می‌خواهم تشویقتان کنم که این سفر ۴۰ روزه را جلدی بگیرید، حتی یک روز نیز مطالعهٔ آن را فراموش نکنید. زندگیتان واقعاً ارزش آن را دارد که برای اندیشیدن در بارهٔ آن، وقت کافی صرف کنید. در تقویم خود یادداشت کنید که برای این مهم وقت خاصی اختصاص دهید. اگر می‌خواهید به این امر متعهد شوید، بیایید تا عهدی با یکدیگر ببندیم و آنرا امضاء کنیم. به یاد داشته‌باشید که واقعیتی بسیار مهم در پشت امضاء متعهدانهٔ هر شخصی نهفته است. اگر این مطالعه را همراه با کسی انجام می‌دهید از ایشان نیز بخواهید که بعنوان همراه و شریک در این عهد، کتابتان را امضاء کند. بیایید با هم شروع کنیم!

* در فارسی از ۴ ترجمهٔ موجود و نیز در چند مورد معدود از ترجمهٔ آزاد انگلیسی استفاده شده است.



به یاری خدا، ۴۰ روز آینده را
وقف کشف هدف خدا برای زندگی ام می‌نمایم.

نام و امضاء شما

نام و امضاء همراهتان

Rick Werner

امضاء ریک وارن

«دوازدهم به‌ترند، چونکه ایشان را از مشقتشان اجرت نیکو می‌باشد،
زیرا اگر بیفتند، یکی از آنها رفیق خود را خواهد برخیزاند،
... و اگر کسی بر یکی از ایشان حمله آورد،
هر دو با او مقاومت خواهند نمود،
و ریسمان سه‌لا به زودی گسیخته نمی‌شود.»
جامعه سلیمان ۹:۴-۱۲ (قدیم)



هدف از زندگی چیست؟

کسی که بر توانگری فود توکل کند، فواهد افتاد
 اما عادلان مثل برگ سبز شکوفه فواهد آورد.

امثال سلیمان ۲۸:۱۱ (قدیم)

مبارک باد کسی که بر فداوند توکل دارد ...

او مثل درختی نشانده بر کنار آب فواهد بود،

که ریشه هایش را به سوی نهر پهن می‌کند و چون گرما بیاید، فواهد ترسید
 و برگش شاداب فواهد ماند و در خشکسالی اندیشه فواهد داشت

و از آوردن میوه باز فواهد ماند.

ارمیا ۱۷:۷-۸ (قدیم)

خدا. آغاز همه چیز

زیرا که در او همه چیز آفریده شد،
آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است،
از چیزهای دیدنی و نادیدنی،
همه به وسیله او آفریده شد.

کولسیان ۱: ۱۶ (قدیم)

این سؤال که هدف زندگی چیست، سؤالی بی‌معناست

مگر اینکه فرض کنید فدایی وجود دارد.

برتراند راسل، فیلسوف بی‌خدا

شما مرکز دنیا نیستید.

هدف زندگی موضوعی است به مراتب والاتر از خرسندی شخصی، آرامش فکر و یا حتی خوشبختی انسان. موضوعی بسیار والاتر از خانواده، کار، رؤیاهای و آرزوهای دست‌نیافته. اگر می‌خواهید بدانید که چرا در این سیاره به دنیا آمده و در آن زندگی می‌کنید، باید از خدا آغاز کنید. شما حاصل هدف خدا و برای هدف خدا به دنیا آمده‌اید.

جستجو برای درک هدف زندگی، هزاران سال است که انسان را سردرگم کرده است؛ چراکه ما اغلب، خود را مبدأ قرار می‌دهیم، و این خطاست. سؤالاتی که از خودمحوری ما ناشی می‌شود، می‌پرسیم، از قبیل اینکه من می‌خواهم چه بشوم؟ من با زندگی خودم چه باید بکنم؟ اهداف من، آرزوهای من و رؤیاهای من برای آینده خودم چیست؟ ولی بدانید که تمرکز بر خودمان هیچگاه هدف زندگیمان را برای ما آشکار نخواهد کرد.

کتاب مقدس می‌فرماید: «جان هر موجود زنده و نفس تمام بشر در دست خداست.»^۱

برعکس آنچه که اغلب کتاب‌های معروف، فیلم‌ها و سمینارها نشان می‌دهند، نمی‌توان معنای زندگی را با نگرستن به درون خود درک نمود. شاید خود شما نیز این روش را تابحال امتحان کرده‌اید. شما خالق خودتان نیستید، بنابراین به هیچ وجه نمی‌توانید اظهار کنید که برای چه منظوری خلق شده‌اید! اگر به شما چیزی بدهم که به تازگی اختراع شده و شما قبلاً هرگز آن را ندیده‌اید، مطمئناً چیزی در مورد هدف آن نخواهید دانست و خود آن اختراع تازه نیز نمی‌تواند به خودی خود این هدف را برای شما بیان نماید. فقط مخترع آن و یا کتابچه راهنمای آن است که می‌تواند هدف

با تمرکز بر خود هرگز

هدف زندگی‌مان را

نخواهیم یافت.

آن را برای شما روشن سازد.

یک‌بار در کوهستان گم شده بودم. وقتی که راه را پرسیدم به من گفتند: «از این سمت هرگز به مقصد نخواهی رسید. باید از جهت دیگر، قلّه را صعود کنی.» به همین ترتیب شما نیز نمی‌توانید به وسیله تمرکز بر خود، به درک هدف زندگی نائل آید. برای این منظور بایستی جستجو را از خدا یعنی خالق هستی آغاز کنید. شما وجود دارید، صرفاً به این دلیل که خدا اینگونه اراده فرموده است. شما توسط خدا و برای خدا آفریده شده‌اید و تا زمانی که این را درک نکنید، معنای زندگی را نخواهید فهمید. فقط از طریق خداست که ما می‌توانیم مبدأ، هویت، معنای زندگی، هدف، اهمیت و سرنوشتمان را درک کنیم. هر راه دیگری منتهی به بن‌بست است.

بسیاری از مردم تلاش می‌کنند از خدا برای برآورده شدن خواسته‌های خود استفاده کنند، ولی این برخلاف طبیعت و محکوم به شکست است. شما برای خدا خلق شده‌اید، نه خدا برای شما؛ و زندگی اصولی یعنی اینکه اجازه دهید تا خدا از شما برای هدف خودش استفاده نماید، نه اینکه شما او را برای دستیابی به هدف خود مورد استفاده قرار دهید. کتاب مقدس می‌فرماید: «اگر از روح خدا پیروی کنیم، حیات و آرامش نصیبمان می‌گردد، اما اگر از طبیعت کهنه خود پیروی کنیم، چیزی جز مرگ و هلاکت بدست نخواهیم آورد.»^۲ کتابهای بسیاری خوانده‌ام که روشهای گوناگونی را برای درک هدف زندگی معرفی می‌کنند. تمام آنها را می‌توان تحت عنوان کتاب‌های «خودیاری» طبقه‌بندی کرد چراکه آنها به موضوع از نقطه‌نظری خودمحورانه می‌نگرند. کتاب‌های خودیاری، حتی کتابهای مسیحی در این زمینه، اغلب گامهای قابل پیش‌بینی مشابهی را برای یافتن هدف زندگی معرفی

می‌کنند، از قبیل اینکه: رؤیاهایتان را پی‌گیرید؛ ارزشهای زندگیتان را مشخص کنید؛ اهدافی برای خود تعیین نمایید؛ توانیهایتان را کشف کنید؛ اهدافتان را توسعه دهید؛ دنبال آرزوهایتان بروید؛ منضبط باشید؛ اعتماد به نفس داشته باشید و بدانید که به اهدافتان دست خواهید یافت؛ دیگران را به کار بگیرید؛ هرگز کناره‌گیری نکنید.

البته، در اکثر موارد چنین پیشنهادهایی به موفقیت‌های بزرگی منتهی می‌گردند. اگر شخص تمام اندیشه خود را به هدفی متمرکز کند، معمولاً به موفقیت‌های بزرگی نیز دست خواهد یافت. ولی موفق بودن به هیچ وجه به معنای دستیابی به هدف زندگی نیست! شما ممکن است بتوانید به کلیه اهداف شخصی خود برسید، و با معیارهای دنیوی، به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یابید، ولی هنوز به آن هدفی که خدا شما را برای آن خلق کرده است، نرسیده باشید. برای این منظور به چیزی بیش از یک «خودیار» نیاز است. کتاب مقدس چنین می‌فرماید: «خودیاری به هیچ عنوان نمی‌تواند به یاری شما بشتابد. راه حل، از خودگذشتگی است، راهی که من به شما می‌بخشم تا خود، یعنی خود حقیقی‌تان را بیابید.»^۳

کتابی که در دست دارید، یک کتاب خودیاری نیست. موضوع این کتاب، یافتن شغل مناسب، دستیابی به رؤیاهایتان و آرزوهایتان، و یا برنامه‌ریزی برای زندگیتان نیست. هدف این کتاب این نیست که باری بر بارها و گرفتاریهای زندگی شلوغتان بیفزاید. بلکه در واقع می‌خواهد به شما

شما توسط خدا و برای خدا

آفریده شده‌اید،

تا زمانی که این را درک نکنید،

مفهوم زندگی را نخواهید فهمید.

بیاموزد که چگونه به وسیله تمرکز روی چیزهای مهمتر، تلاش کمتری در زندگی بکنید. موضوع کتاب این است که چگونه تبدیل به شخصی بشوید که خدا شما را به جهت آن خلق فرموده است.

حال سؤال این است که چگونه می‌توان هدفی را که شخص برای آن خلق شده کشف کرد؟ دو راه بیشتر ندارید. راه نخست، حدس و گمان است. و این آن راهی است که اغلب مردم در پیش می‌گیرند. آنان فکر می‌کنند، حدس می‌زنند، فرض و گمان می‌کنند. آنگاه که مردم می‌گویند: «همیشه فکر می‌کردم زندگی ... است» منظورشان این است که «این بهترین حدس و گمانی است که می‌توانم در مورد زندگی داشته باشم.»

برای هزاران سال، فلاسفه در مورد معنای زندگی به بحث و تفکر پرداخته‌اند. فلسفه مبحثی مهم است که کاربردهای خاص خودش را داراست، ولی وقتی می‌خواهیم به مسئله تعیین هدف برای زندگی پردازیم، حتی خردمندترین فلاسفه نیز فقط می‌توانند چند حدس و گمان و فرضیه ارائه نمایند.

دکتر هیو مورهد*، استاد فلسفه در دانشگاه نورث ایسترن در ایالت ایلینویز، در یک تحقیق و طی نامه‌ای خطاب به ۲۵۰ نفر از معروفترین فلاسفه، دانشمندان، نویسندگان و روشنفکران جهان، از ایشان پرسید: «معنای زندگی چیست؟» سپس پاسخ‌های آنها را در کتابی منتشر نمود. بعضی‌ها بهترین حدس خود را بعنوان پاسخی به این سؤال، بیان نمودند. بعضی دیگر اقرار کردند که ایشان برای زندگی، هدفی در ذهنشان ساخته‌اند و دیگران با صداقت ابراز داشتند که در این مورد هیچ نظری ندارند. از سوی دیگر تعدادی از این افراد از پروفیسور مورهد خواستند برایشان بنویسد و بگوید که آیا خود وی هدف زندگی را کشف نموده است یا نه؟^۴

خوشبختانه، یک پاسخ دیگر برای درک هدف زندگی وجود دارد و آن مکاشفه است. برای یافتن پاسخ این سؤال در زندگی خود می‌توانیم به کتاب مقدس بعنوان مکاشفه الهی مراجعه کنیم. ساده‌ترین راه برای فهم هدف یک اختراع تازه اینست که از مخترع آن بپرسیم. کشف هدف زندگی نیز به همین سادگی است: پرسیدن از خدا.

خدا ما را در تاریکی رها نکرده‌است تا برای حل مشکلاتمان غرق در حیرت و تعجب شویم و به حدس و گمان دست زنیم. بلکه او به روشنی پنج هدف خود را برای زندگی ما در کلام مقدسش آشکار فرموده است. این کلام که کتاب راهنمای زندگی ماست، توضیح

می‌دهد که چرا زنده هستیم، زندگی چیست، از چه چیز بپرهیزیم، و چه انتظاری از آینده داشته باشیم؟ این کتاب همچنین تعلیم می‌دهد که در زندگی چه چیز هست که کتاب‌های خودیاری و یا فلسفی از درک آن عاجز می‌باشند. کتاب مقدس می‌فرماید: «سخنان ما حکیمانه است، زیرا از جانب خدا و در باره نقشه حکیمانه اوست، نقشه‌ای که هدفش رساندن ما به حضور پر جلال خداست. اگرچه خدا این نقشه را پیش از آفرینش جهان برای نجات ما طرح کرده بود، اما در زمان‌های گذشته آن را بر هیچ‌کس آشکار نساخته بود.»^۵

* Dr. Hugh Moorhead

خدا فقط نقطه شروع زندگی نیست بلکه او منبع حیات است. باید برای کشف هدف زندگی به کلام خدا مراجعه کرد و نه به حکمت‌های دنیوی. حیات را نمی‌توان بر روان‌شناسی و انگیزش برای موفقیت و یا خیالات و خرافات بنا نهاد، بلکه باید زندگی را بر مبنای حقیقتی ابدی استوار نمود. کتاب مقدس چنین می‌فرماید: «علاوه بر این، بخاطر آن فداکاری که مسیح در راه ما کرده است، ما برای خدا همچون هدیه‌ای شده‌ایم که مورد پسند اوست، زیرا نقشه عالی خدا از همان ابتدا این بود که ما را برگزیند تا از آن او گردیم، و چنانکه ملاحظه می‌کنیم، او این نقشه را تحقق بخشیده است.»^۱ این آیه سه بینش به هدف ما می‌بخشد.

۱. کشف هویت و هدف از طریق رابطه با عیسی مسیح. اگر هنوز دارای چنین ارتباطی نیستید، بعداً برایتان توضیح خواهم داد که چگونه باید شروع کنید.

۲. خدا از ابتدا و مدتها قبل از اینکه شما در مورد او بیندیشید به شما

فکر می‌کرد. هدف او برای زندگی شما، از محدوده

تفکر شما پیشتر و فراتر می‌رود. قبل از اینکه شما به دنیا بیایید، بدون اینکه نظر شما را در این مورد پرسیده باشد، این هدف را برای شما طراحی نمود! ممکن است که شما شغل، همسر، تفریحات و

بسیاری چیزهای دیگر را برای زندگیتان، خودتان انتخاب کنید، ولی نمی‌توانید هدف زندگیتان را انتخاب نمایید.

۳. هدف زندگی شما با یک هدف جهانی بزرگتر مرتبط است. هدفی که خدا برطبق آن، ما (یعنی همه کس و همه چیز) را برای ابدیت خلق نموده است. و این دقیقاً همان چیزی است که ما در این کتاب قصد بیان نمودنش را داریم.

آندری بی‌تاف*، رمان‌نویسی روس بود، که در دوره حکومت کمونیستها بزرگ شده بود. خدا در روزی غم‌انگیز، نظری را به سوی خود جلب نمود. او آن روز را این چنین به یاد می‌آورد: «در سن بیست و هفت سالگی در شهر لنینگراد (سن پترزبورگ فعلی) سوار مترو بودم، با اندوهی بس عمیق دست و پنجه نرم می‌کردم به حدی که خود را هر لحظه با مرگ مواجه می‌دیدم، آینده برایم به کلی تهی می‌نمود و هیچ معنایی نداشت. ناگهان، بدون هیچ مقدمه‌ای، متوجه جمله‌ای شدم: بدون خدا زندگی هیچ معنایی ندارد. با حیرت آن جمله

* Andrei Bitov

را تکرار می‌کردم. آنچنان‌که گویی از پله بالا می‌رفتم، آن جمله را از اول تا آخر مرور کردم، بلافاصله از مترو پیاده شدم و به سوی نور خدا گام برداشتم.^۷ ممکن است شما نیز در مورد هدف زندگی خود، دچار سردرگمی و ابهام شده باشید، اگر چنین است به شما تبریک می‌گویم، زیرا آماده‌اید به سوی نور گام بردارید.

روز اول تفکر در مورد هدفم

اندیشهٔ روز: شما مرکز دنیا نیستید.

آیهٔ مفصلی: «تمام موجودات بوسیلهٔ او و برای او آفریده‌شد.»

کولسیان ۱:۱۶ب (انجیل شریف)

سؤال برای تعمق: با وجود این همه تبلیغات پیرامونم، چگونه می‌توانم به خودم یادآوری کنم که زندگی یعنی زیستن برای خدا، و نه برای خودم؟